

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

قاسم باز
۲۱ اگست ۲۰۲۰

نقش داکتر محمد حسن شرق در تحول ۲۶ سرطان.

بسم الله الرحمن الرحيم!

آنانی که کتاب های عده از از سرگروپ های تحول ۲۶ سرطان از قبیل داکتر صاحب محمدحسن شرق، عبدالحمید محتاط، غوثالدین فایق و را خوانده باشد این بزرگان هر کدام شان به طور انفرادی خود را هیروهای تحول ۲۶ سرطان وانمود ساخته اند. آنها به این باور اند و می فرمایند: اگر ما نمی بودیم هیچ کس نمی توانست نظام جمهوری را در کشور پایه گذاری نماید. سبحان الله به این قضاوت!!

این جنابان چه در کتابها و مصاحبه های خود طوری وانمود می سازند که آنها همه کاره تحول ۲۶ سرطان بود و ملت افغان باید مرهون این جلالتمابان باشد، در حالی که چنین نیست. کودتای نظامی کار نظامیان است نه از مأمورین ملکی مستعفی، البته ما نمی توانیم از نقش افراد ملکی در جلب و جذب یک عده از نظامیان چشم پوشی کنیم.

اگر یک شخص یک واقعه را از عمق به دید وسیع بدون حب و بغض ببیند و آن را درست تحلیل و تجزیه نماید در آنصورت آن فرد یا شخص می تواند به بسیار آسانی به حقایق دسترسی پیدا کند.

از آنجائی که امروز آن عده افراد که سنگ تهداب اولین جمهوریت را به سینه می زنند و به شکل کوبائی و دراماتیک اظهار می دارند، که این من یا ما بودیم که نظام جمهوری را در افغانستان پایه گذاری و سیستم سلطنتی را از بین بردیم، فکر می کنم اینگونه بلند پروازیاها کارعقلانه نبوده آنها به خطا رفته اند، از این جمله افراد هریک به طور انفرادی جناب داکتر صاحب محمد حسن شرق، عبدالحمید محتاط و شخصی دیگری به نام غوث الدین فایق است. داکتر صاحب شرق یکی از مأمورین مستعفی ملکی در روز تحول ۲۶ سرطان سال ۱۳۵۲ بود، در کامیابی کودتای نظامی نقش عمده را نظامیان بر حال در وظیفه رسمی اجراء می کند و رول آنها از افراد ملکی به هزارها مرتبه بلند تر می باشد، این نظامیان است که نقش عمده را در کامیابی و ناکامی کودتا یا تحول بازی می کند نه مأمورین ملکی و مستعفی.

اگر من از جناب داکتر صاحب حسن شرق سوال کنم که وی پیش از پیروزی تحول ۲۶ سرطان چند نفر نظامی را به تحول ۲۶ سرطان جذب نموده؟ آن افسران جذبی وی کیها بودند؟ نقش آنها در شب تحول ۲۶ سرطان چی بوده؟ و چی نقش عمده را در شب ۲۶ سرطان بازی کردند. آیا آنها که توسط وی به کودتا جذب شده بودند سرگروپ های کودتا بودند یا خیر؟ فکر نکنم که داکتر صاحب نام و اسم چهار فرد نظامی برحال در وظیفه را برایم گرفته بتواند. بلی می

دانم که وی شاید در جواب من خواهند فرمود، که یوسف فراهی و آقای مولاداد، که هر دوی آنها از ولایت فراه بودند!! یوسف و مولاداد پیش از تحول ۲۶ سرطان صاحب منصبان بسیار پائین رتبه در کودتا بودند. بعد از پیروزی تحول هر دوی آنها دو رتبه گرفت یکی به حیث قوماندان قوای پانزده زره‌دار و دیگرش به حیث رئیس اداری وزارت دفاع تقرر یافتند، البته مولاداد تانکیست کسی بود که به فیض محمد وزیری دوستی و رفاقت داشت، مولاداد برای بار اول زمینه ملاقات داکتر صاحب محمد حسن شرق را به فیض محمد وزیری نظر به هدایت مرحوم داوودخان در منزل شخصی مولادادخان مساعد ساخته بود. یوسف خان فراهی و آقای مولاداد جذبیهای جناب داکتر صاحب شرق بودند، یوسف فراهی در دوران جمهوریت بعد از تحول ۲۶ سرطان به حیث قوماندان قوای پانزده زره‌دار مقرر گردید، و بعد از ۲۶ سرطان توسط حزب پرچم به آن حزب جذب گردیده بود چون وی ارتباطات مخفی به حزب پرچم داشت و خلقیان در روز کودتای ۷ ثور از عضویت وی در حزب پرچم نمی دانستند، خلقیها وی را در روز هفت ثور در داخل قوای پانزده زره‌دار پلچرخی به قتل رساند. جان نثار رئیس استخبارات وزارت دفاع که وی نیز یکی از پرچمی های مخفی بود نیز به عین سرنوشت یوسف فراهی مبتلا و مولاداد ناپدید گشت که تا حال زنده و مرده اش گم و نامعلوم ماند.

عبدالوکیل خواهرزاده ببرک کارمل و مسؤل بخش نظامی حزب پرچم در کتاب خود به نام (از سقوط سلطنت مطلقه تا سقوط حکومت حزب دیموکراتیک؟) هر بلا که است // از عضویت این دو نفر افسر نظامی درحزب پرچم در کتاب خود پرده برداشته. می نویسد که: «**آنها اعضای مخفی حزب پرچم بودند که در دوران جمهوریت سنگ ملی گرائی به سینه می زدند.**»

به غیر از این دو فرد نظامی که توسط داکتر صاحب شرق به تحول ۲۶ سرطان جذب شده اگر کسی مهربانی کند یکی دو نفر دیگر را که جناب داکتر صاحب شرق به کودتای ۲۶ سرطان جذب نموده باشد نام ببرم ممنون می شوم. نظر به اسناد موثق آن عده سر گروپهای کودتای ۲۶ سرطان که در جلب و جذب افسران کودتاجی ۲۶ سرطان نقش بارز داشت عبارت بودند از، غلام حیدرخان رسولی، غوث الدین فایق، پاچاگل وفادار و ضیاء مجید. آقای ضیاء مجید در قطعۀ مربوطۀ انضباط شهری که بعداً آن قطعۀ در وقت اقتدار حزب خلق به نام قطعۀ گارنیزون شهری کابل مسما گردید بودند، ضیاء مجید آقایان هر یک صاحب جان خان که یک شخص مسلمان بود بعداً قوماندان گارد، نبی عظیمی و... را به تحول ۲۶ سرطان جذب کرده بودند.

غلام حیدر رسولی چون در سابق رئیس ارکان قوای چهار زره‌دار بود اکثریت تانکست های قوای چهار و قوای پانزده زره‌دار با جمع ده عراده تانک های خدمتی قوای چهار زره‌دار که در ارگ سلطنتی اجرای وظیفه می نمود تماس داشت.

غوث الدین فایق اولین شخص بود که از طرف محمد داوودخان برایش گفته شده بود که موضوع کودتا را همراه پاچا گل مطرح سازد. غلام حیدر خان، رسولی بعداً وزیر دفاع ملی، پاچا گل وزیر سرحدات، ضیاء مجید قوماندان گارد جمهوری، سید عبدالاله وزیر مالیه و معاون ریاست جمهوری، عبدالقدیر نورستانی قوماندان ژاندارم و پولیس بعداً وزیر داخله، غوث الدین فایق وزیر فواید عامه و سید وحید عبدالله معاون وزارت امور خارجه را شخصاً مرحوم داوودخان به کودتا جذب نموده بودند. در این وقت غوث الدین فایق همراه عبدالحمید محتاط و فیض محمد وزیری نیز به تماس شده آنها را نیز وی (غوث الدین) به کودتا تشویق نموده بود که عبدالحمید محتاط توسط پاچاگل وفادار جذب گردیده بود. چون در آنوقت داکتر صاحب محمد حسن شرق وظیفۀ دولتی نداشت مرحوم داوودخان وی را به حیث شخص دوم کودتا و بسیار معتمد خود انتخاب و اکثر دید و ادیوها را با سرگروپان کودتا به وی محول شده بود.

نقش سرگروپ ها در شب کودتا و پیروزی تحول ۲۶ سرطان.

- ۱ - غلام حیدر خان رسولی سوق و اداره قوتهای قوای چهار و قوای پانزده تانک از پلچرخی به طرف شهر کابل و گرفتن موضع های مهم و سوق الجبهشی در شهر کابل.
 - ۲ - پاچا گل وفادار و عبدالحمید محتاط سوق و اداره قوای هوایی.
 - ۳ - فیض محمد وزیری که پیش از تحول ۲۶ سرطان آمر حرکات و اپراسیون قطعه کومانندو بود سوق و اداره قطعه کومانندو با همکاری حبیب الله زرمتی معاون تولى تانک در داخل گارد شاهی و خلع نمودن قطعه گارد شاهی .
 - ۴ - ضیاء مجید و همکاران وی صاحب جان خان و نبی عظیمی گرفتاری مأمورین عالیرتبه ملکی و نظامی. اشغال رادیو افغانستان و مرکز مخابرات.
 - ۵ - غوث الدین فایق مسؤول تمام گرفتاریها و همکاری در خاموش ساختن مقاومت یکی دو افسر محافظ حرم سرای ارگ .
 - ۶ - عبدالقدیر نورستانی مسؤول محبوسیت محبوسین در منزل شخصی خود.
 - ۷ - پاچاگل وفادار آوردن دو مخابره از قوماندانی عمومی قوای هوایی خواجه رواش در موتر شخصی داوودخان به همکاری داکتر صاحب محمد حسن شرق یکی به منزل داوودخان و دیگر به خاطر گرفتاری مأمورین عالیرتبه دولت به قطعه انضباط شهری نزد ضیاء مجید.
 - ۸ - سید عبدالاله در شب ۲۶ سرطان فرد ارتباطی تمام سرگروپهای کودتا بوده وی در آن شب اکثر وقت همراه غلام حیدرخان رسولی سپری نمود و در هر جا همراه رسولی صاحب حاضر می بود.
- خوب حالا که از نقش سرگروپها و افراد شامل در کودتا دانستید. باید به عرض شما برسانم این که ، مرحوم داوودخان داکتر محمد حسن شرق و عبدالکریم مستغنی را به خاطر این که، اینها اولین کارمندان دولت در دوران صدارت داوودخان بودند، روزی که داوودخان مرحوم از وظیفه صدارت استعفاء نمود در ملکی اولین شخص سردار محمد نعیم خان و بعد از او، آقای داکتر صاحب محمد حسن شرق و در نظامی اولین شخص جنرال عبدالکریم مستغنی بود که به طرفداری داوودخان از وظایف دولتی استعفاء نمودند. داوودخان هم به خاطر این فداکاری آنها وقتی که به قدرت رسید در ملکی داکتر شرق و در نظامی جنرال مستغنی را به حیث دو همکار و دوبازوی خود مقرر نمودند. لازم به یاد آورید که در شب تحول ۲۶ سرطان جنرال عبدالکریم مستغنی که وی در آنوقت رئیس ریاست زره دار اردو در وزارت دفاع ملی سلطنت که یک مقام اداری بود ایفای وظیفه می نمود جنرال عبدالکریم مستغنی در کودتا بالفعل حضور نداشت ولی بالقوه از جریان کودتا باخبر بود. وی یگانه جنرال اردوی شاهی بود که از شب کودتا آن هم توسط شخص داوودخان مطلع شده بود. از این هم باید انکار ننمود که داکتر محمد حسن شرق در ده سال خانه نشینی مرحوم داوودخان از طرف حکومت شاهی آن وقت به خاطر دوستی وی به داوودخان زیاد زجر و مشکلات را متقابل شد. حتا تا این حد که معاینه خانه شخصی وی را بستند.
- داکتر محمد حسن شرق در پیروزی تحول ۲۶ سرطان بسیار جان فشانی نموده، داوودخان هم به خاطر زجرهایی که داکتر شرق در دوران سلطنت متقبل شده بود نیز به وی در تعیین وزیران کابینه حق معرفی شش وزیر را عنایت فرمود. این دوست داوودخان به تمام اعتمادی که داوودخان به وی داشت، وی (داکتر شرق) جیلانی باختری، نعمت الله پژواک، داکتر نظر محمد سکندر را در کابینه جای داد . داوودخان پیش از تحول ۲۶ سرطان در سال ۱۳۵۱ یک بار جیلانی باختری را در پغمان در منزل خود به وساطت داکتر صاحب حسن شرق دیده بود. جیلانی باختری و آقای عبدالستار شالیزی از دوستان بسیار نزدیک داکتر صاحب شرق بودند.

امروز یک تعداد مردم که بالای داوودخان و کابینه وی ایراد می‌گیرد و می‌گوید که در تحول ۲۶ سرطان کمونتها جای داشت علت تقرر این چند وزیر بود. که توسط داکتر صاحب شرق به حیث وزیران در کابینه جمهوریت عضویت پیدا کرده بودند. در سالهای اخیر جمهوریت وزیر دیگری که داکتر صاحب شرق به داوودخان معرفی کرد وی مرحوم جمعه محمد محمدی بود که به حیث وزیر آب و برق تقرر یافت. البته باید به صراحت گفت که در تقرر جیلانی باختری داکتر شرق رول داشت، با عضویت جیلانی باختری در کابینه جمهوریت مردم هم حق داشت بگوید که در کودتای ۲۶ سرطان حزب پرچم دست داشت. داکتر حسن شرق در کتاب (کرباس پوشان برهنه پا) خود می‌نویسد، که من از این انتخاب خود شرمنده هستم.

علت دوم که مردم بالای مرحوم داوودخان اعتراض گرفتند، تشکیل کمیته مرکزی بود، که در بین مردم افغانستان این نام به یکی از واژه های روسی شهرت یافته بود. نام گذاری اعضای سرگروپ کودتا به نام کمیته مرکزی ضربه دوم بود که مردم بالای نظام جمهوریت علاوه نمود. جگرن خلیل مشهور به (خلیل سگ باز) که نه عضویت سرگروپها را نداشت و نه از کمیته مرکزی را، در عکسی که در اخبارها و جراید آنوقت در روز سوم یا چهارم کودتای ۲۶ سرطان نشر شد بود، بودن وی توسط هر کس که در آن روز وی را آورده بود و در آن مجلس نشسته بود مردم را متقاعد ساختند که واقعاً این کمیته نظامی متشکل از افراد روس پرور است، در حالی که تنها در آنوقت یک نظامی که عضویت مخفی حزب پرچم را داشت وی شخص فیض محمد وزیری بود که به طور انفرادی در تحول ۲۶ سرطان جذب شده بود، دیگران هر کدام، غلام حیدرخان رسولی، سید عبدالاله، عبدالقدیر نورستانی، غوث الدین فایق، پاچاگل وفادار، عبدالحمید محتاط مربوط گروه کار و ضیاء مجید در آنوقت عضویت حزب دیموکراتیک خلق را نداشتند. جناب پاچا گل وفادار در دو مصاحبه تلویزیونی با تلویزیون رادیو بی بی سی و آریانای نبیل مسکینیار می‌گوید که داوودخان یک تعداد اعضای تحول ۲۶ سرطان را بعد از پیروزی تحول پرچی و خلقی ساخت. که این یک حقیقت انکار ناپذیر است. بعد از رفتن داکتر محمد حسن شرق به جاپان به حیث سفير افغانستان و بعد از اعلان و تأسیس حزب انقلاب ملی، حزب پرچم و خلق در سال ۱۳۵۶ پیش از وحدت حزب شان به خاطر رقابتی که آنها بین خود داشتند هردو حزب خلق و پرچم کوشیدند تا خود را به نظام جمهوری نزدیک سازند.

حفیظ الله امین توسط عیسی نورزاد رئیس استخبارات وزارت داخله خسربره عبدالقدیر نورستانی وزیر داخله جمهوریت به وی نزدیک شد. حفیظ الله امین به بهانه این که من تمام افراد و اشخاص اعضای حزب پرچم که در دستگاه حکومت به طور مخفی کار می‌کند افشاء می‌کنم و از اعمال آنها دولت را باخبر می‌سازم. در این وقت در ریاست استخبارت وزارت داخله افراد حزب پرچم شخصی به نام قطره معاون استخبارات وزارت داخله و غلام فاروق یعقوبی امر جنائی وزارت داخله وظایف اساسی و مهم داشتند، آنها راپورهای یومیه یا هر روزه استخباراتی دولت را به رهبران حزب خود شریک می‌ساختند. حزب پرچم نیز در این راه کوشید تا از حریف خود یعنی حزب خلق کم نماند آنها نیز ارتباطات خود را به یک عده افراد بلند پایه دولت به خصوص اعضای کمیته مرکزی حزب انقلاب ملی برقرار نمود. تا جای پائی در دولت داشته باشد، این روش را در الفبای سیاست جاسوسی و ضد جاسوسی می‌نامند.

عبدالوکیل خواهرزاده ببرک کارمل وزیر مالیة دوران کارمل و وزیر خارجه دوران داکتر نجیب الله به طور دستوری از حزب پرچم وظیفه گرفته بود تا خود را به دولت مردان آنوقت جمهوریت نزدیک سازد، عبدالوکیل به نام این که وی می‌خواهد پلانهای حزب خلق شاخه نور محمد تره کی و حفیظ الله امین را به دولت جمهوری افشاء می‌کند. همچنان در سال ۱۳۵۶ میر اکبر خیبر دو بار بعد از ۸ بجه شب یک بار توسط پدرم و باری دیگر توسط برادرم داوودخان را در منزل شخصی داوودخان ملاقات نمود. وی به ادعا و بهانه این که مناسبات من همراهی حزب پرچم در بسیاری مسایل و

موضوعات به اختلاف نظر گرائیده می‌خوام نصف حزب پرچم را در حزب انقلاب ملی مدغم سازم. ولی دولت آنوقت باور و عقیده داشت که خیبر در گفتار خود صادق نیست.

گردانندگان حکومت آنوقت به این فکر بودند که میر اکبر خیبر می‌خواهد دستوری پرچم در حزب انقلاب ملی داخل شود چنانچه این حدس و گمان به حقیقت پیوست. اما بعد از کشته شدن میر اکبر خیبر معلوم شد که وی راستی می‌خواست همراه حزب پرچم خط و برید نماید چنانچه این اختلاف وی با حزب پرچم به قیمت مرگ و قتل وی تمام شد. آنهایی که ادعا دارند و میگویند حزب پرچم در پیروزی کودتای ۷ ثور سال ۱۳۵۷ نقش نداشت به نظر من این یک ادعای دور از حقیقت است. چرا؟

الف - روسها کودتای هفت ثور را چنین طراحی نموده بود که اگر در وقت کودتا دیده شود که کودتا به شکست مواجه می‌شود باز اعضای حزب پرچم به طرفداری حزب خلق، طرفداران داوودخان را سرکوب نماید چنانچه در ساعت های ۶ و ۷ بجه شام وقتی که اسلم وطنجار در اثر مقاومت دلیرانه گارد جمهوری مقابل شد و سربازان دلیر گارد جمهوری چندین عراده تانک وی را در پیش روی ارگ تخریب نمود وی به تانک های زیر قوماندان خود امرعقب نشینی به طرف پلچرخ داد. وقتی که کودتاچیان مطمئن شدند که در مقابل ضربات گارد جمهوری کاری کرده نمی‌توانند در این وقت قوتهای تانک قوای پانزده که قوماندان آن محمد یوسف فراهی و یکی از جذبیان داکتر محمد حسن شرق به تحول ۲۶ سرطان بود آن قطعات تانک به قوماندانی شیرجان مزدوریار قوماندان کندک تانک آن لوا و شخصی به نام جگرن شهزاده قومندان دیگر کندک تانک آن لوا که خسر وی به نام جنرال باباجان که در آنوقت قومندان پوهنتون نظامی تخنیک بود به نام مدافعین گارد با صاحب جان خان قوماندان گارد جمهوری که هم صنفی و رفیق شبانه روزی شیرجان مزدوریار بود در مخابره تماس برقرار می‌نماید، شیرجان مزدوریار به صاحب جان قومندان گارد می‌گوید که ما به خاطر محافظت و دفاع گارد آمدم، صاحب جان خان هم به وی اجازه می‌دهد که امنیت ارگ و گارد جمهوری را بگیرد، وقتی که تانک های آنها داخل موضع می‌شود دوباره آنها میل های توپ های تانک خود را به طرف گارد و ارگ می‌کند همان بود که اسلم وطنجار دوباره از نزدیکی های پلچرخ بار دیگر به طرف ارگ و رادیو افغانستان می‌آید.

باید علاوه نمود که تا این وقت هیچ کس نمی‌دانست که یوسف فراهی قوماندان قوای پانزده زره دار به قتل رسیده، اصلاً یوسف فراهی ساعت سه بجه روز ۷ ثور از طرف خلقیان که در قوای پانزده زره دار وظیفه داشتند به نام این که وی طرفدار نظام جمهوری است به قتل می‌رسد، خلقیان از عضویت وی در حزب پرچم نمی‌دانستند. چنانچه عبدالوکیل این موضوع را در کتاب خود به نام (از سقوط سلطنت مطلقه تا سقوط حکومت حزب دیموکراتیک) ذکر نموده. در همین روز جنرال منان خان شینواری قوماندان مدافع هوایی کابل که غرض مأموریت یعنی دیدن سرحدات ولایت کنر عازم جلال آباد بود در راه کابل پلچرخ پیش روی قوای چهار زره دار کودتاچیان وی را از موتر والگای جنرالی پائین می‌کنند وی را در همانجا به شهادت می‌رسانند.

ب - همچنان دو شب قبل از وقوع کودتا یعنی در شب ۵ و ۶ ثور سال ۱۳۵۷ جگرن محمد رفیع پرچمی که وی در آنوقت به حیث رئیس ارکان قوای چهار زره دار و در ضمن در غیاب سرور نورستانی که وی به بهانه تداوی خانم خود سه روز قبل از کودتا همراه خانمش به مسکورفته بود قومندان قوای چهار زره دار، به حیث سرپرست قومندانی آن قواء ایفای وظیفه می‌نمود، سپری می‌نماید. و در روز کودتای ۷ ثور به نام تطبیقات نظامی به تانک های اسلم وطنجار به هر تانک که باید دو مرمی داده می‌شد بیست مرمی می‌دهد.

پ - خلیل مشهور به (خلیل سگباز) پرچی مسؤول غند توچی مهتاب قلعه بعد از ۶ بجۀ شام به طرفداری کودتاچیان خلقی قومندانی قوای مرکز یعنی قصر تاجیک که در آنوقت غلام حیدرخان رسولی به همراهی لوی درستیز و معاون قوای مرکز جنرال عبدالعلی وردگ در همانجا بودند زیر آتش می گیرد.

ت - در روز کودتا به تعداد دوازده الی شانزده نفر افسران بلند پایه حزب پرچم در گارد جمهوری ایفای وظیفه می نمود، آنها بعد از شش بجۀ شام پروگرام خنثی سازی مقاومت گارد جمهوری را با خلقیان کودتاچی هم آهنگ ساختند آنها در قدم اول فرزند دلیر و صادق میهن دگرمن سرورخان چپرهای قومندان کندک پیاده گارد جمهوری را که در آن روز و شب شجاعانه از جمهوریت دفاع می کرد، پیش روی ارگ و گارد جمهوری به ده ها تانک کودتاچیان را منهدم ساختند از طرف پرچمیان داخل گارد جمهوری از عقب پیش روی دروازه دخولی گارد جمهوری به مرمی کلاشنکوف زده بعد از یکی دو ساعت وی به شهادت می رسد. با شهادت این فرزند فرزانه کشور در داخل گارد جمهوری هماهنگی قطعات داخل گارد از بین می رود. وقتی که صاحب جان خان قومندان گارد از مشکلات و بی نظمی داخل گارد واقف می شود به جای تدبیر و تنظیم مقاومت برای چند ساعت خود را مخفی می سازد و لباس های نظامی را می کشد.

خلص مطلب.

طرح روسها این بود اگر کودتای خلقیها ناکام شود آنها باید برای آینده یک گروه دیگر خود را که عبارت از حزب پرچم بود به نام مدافعین دولت در بدنه حکومت داشته باشند.

حالا سؤال من از داکتر صاحب محمد حسن شرق، پاچاگل وفادار ، ضیاء مجید و سرور نورستانی قومندان قوای چهار زره دار که آنها در روز کودتا در کابل تشریف نداشتند اینست:

آیا آنها در دوران جمهوریت زیاد اعتبار و منزلت داشتند یا در دوران حکومت خلق و پرچم؟! آنها چرا از اصول و پرنسیپ رهبر تحول ۲۶ سرطان عدول کردند. ایمان و باور کامل دارم اگر آنها از اصول و پرنسیپ های رهبر تحول ۲۶ سرطان عدول نمی کردند هیچ وقت مورد خشم داوودخان واقع نمی شدند آنها مانند غلام حیدر رسولی، سید عبدالاله، عبدالقدیر نورستانی، سید وحیدالله عبدالله و غوث الدین فایق در پهلوی محمد داوودخان قرار می داشتند. امروز آنها هر چی که می فرمایند صرف به خاطر رفع گناهان خود می گویند. و بس.!!!!

روح شاد باد ای داوودخان قهرمان.

از صداقت و جوانمردی تان یک عده دوستان تان سوء استفاده نمودند. گناه خودت نبود، گناه آنانی بود که از اصول و پرنسیپ شماعدول کردند!!..

من از دشمنان چی نالم

هرچه با من کرد آشنا کرد

والسلام

قاسم باز ۲۰۲۰/۱۸/۸